

تلاش برای ترور کنراد آدنائر: توطئه‌ای برای خنثی کردن غرامت‌ها

در سال‌های اولیه آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم، کنراد آدنائر، نخستین صدراعظم کشور، به عنوان چهره‌ای کلیدی در بازسازی کشوری ویران‌شده و بازگرداندن جایگاه آن در صحنه جهانی ظاهر شد. او که یک ضد نازی سرسخت و کاتولیک مؤمن بود، آلمان غربی را از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۳ رهبری کرد و آن را به سوی دموکراسی، بهبود اقتصادی و آشتی با دشمنان سابق هدایت نمود. با این حال، تلاش‌های او برای مذاکره درباره غرامت‌ها با اسرائیل بابت جنایات هولوکاست، او را به هدف مخالفت افراطی تبدیل کرد. در ۲۷ مارس ۱۹۵۲، یک بسته بمبی که برای آدنائر فرستاده شده بود در مقر پلیس مونیخ منفجر شد، یک افسر پلیس را کشت و توطئه‌ای شوکه‌کننده برای ترور را افشا کرد که به مناخم بگین، شبه‌نظامی اسرائیلی، مرتبط بود. این مقاله زمینه، اجرا و پیامدهای این تلاش جسورانه برای کشتن صدراعظم را بررسی می‌کند و نوری بر فصل کمتر شناخته‌شده‌ای از تاریخ جنگ سرد می‌اندازد.

کنراد آدنائر و توافق غرامت‌ها

کنراد آدنائر، متولد ۱۸۷۶ در کلن، سیاستمداری باتجربه با سابقه مخالفت با نازیسم بود. او به عنوان شهردار کلن در دوران جمهوری وایمار، در برابر رژیم هیتلر مقاومت کرد، زندانی شد و در طول جنگ در انزوا زندگی کرد. پس از ۱۹۴۵، او اتحادیه دموکرات مسیحی (CDU) را مشترکاً تأسیس کرد و در سال ۱۹۴۹ نخستین صدراعظم آلمان غربی شد، با وظیفه بازسازی ملتی در ویرانه‌ها. سیاست خارجی او اولویت را به ادغام با غرب و آشتی با دشمنان سابق، از جمله فرانسه و ایالات متحده، می‌داد. سنگ بنای برنامه اخلاقی و دیپلماتیک او، مقابله با مسئولیت آلمان در هولوکاست بود.

در سال ۱۹۵۱، آدنائر مذاکرات برای توافق غرامت با اسرائیل را آغاز کرد که هدف آن ارائه جبران مالی به بازماندگان هولوکاست و دولت نوپای یهودی بود. مذاکرات که در توافق لوکزامبورگ سپتامبر ۱۹۵۲ رسمی شد، عمیقاً جنجالی بودند. در آلمان، برخی غرامت‌ها را بار اقتصادی یا پذیرش گناه جمعی می‌دیدند، در حالی که در اسرائیل، بسیاری پذیرش پول از آلمان را رد می‌کردند و آن را مشروعیت‌بخشی به ملتی می‌دانستند که مسئول نسل‌کشی شش میلیون یهودی بود. گروه‌های رادیکال، به ویژه کسانی که به سازمان شبه‌نظامی صهیونیستی ایرگون مرتبط بودند، توافق را خیانت به قربانیان هولوکاست محکوم کردند و استدلال می‌کردند که بازماندگان باید پرداخت‌های مستقیم دریافت کنند نه جوهری که از طریق دولت اسرائیل برای پروژه‌های ساخت دولت هدایت می‌شود.

مناخم بگین و ارتباط با ایرگون

در مرکز توطئه ترور، مناخم بگین، چهره‌ای برجسته در تاریخ اسرائیل قرار داشت که بعداً از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳ نخست‌وزیر بود و در سال ۱۹۷۸ جایزه نوبل صلح را برای توافق کمپ دیوید به اشتراک گذاشت. در سال ۱۹۵۲، بگین رهبر حزب هروت، حزب سیاسی راست‌گرا با ریشه در جنبش صهیونیستی تجدیدنظرطلب، و فرمانده سابق ایرگون، شبه‌نظامی پیش از تأسیس

دولت مسئول حملات علیه نیروهای بریتانیایی در فلسطین بود. بگین که خانواده‌اش در هولوکاست جان باخته بودند، به شدت با توافق غرامت مخالفت کرد و آن را سازش اخلاقی می‌دانست که به آلمان اجازه می‌داد «آمزش» بخرد.

مخالفت بگین صرفاً لفظی نبود. بر اساس افشاگری‌های بعدی، او فعالانه از توطئه‌ای برای ترور آدنانر حمایت کرد تا مذاکرات غرامت را خنثی کند. این طرح توسط گروه کوچکی از اعضای سابق ایرگون، از جمله الیعزر سودیت، سازماندهی شد که مشارکت خود را در خاطرات دهه‌ها بعد منتشر شده، **Be'shlihut Ha'matzpun** (در مأموریت وجدان)، شرح داد. روایت سودیت، که توسط روزنامه‌نگار آلمانی هنینگ زیتز در کتاب ۲۰۰۳ خود **سوء قصد به آدنانر: تاریخ مخفی یک حمله سیاسی** تأیید شد، نقش مرکزی بگین در تصویب، تأمین مالی و برنامه‌ریزی عملیات را افشا کرد.

توطئه آشکار می‌شود

تلاش برای ترور هم جسورانه و هم آماتورانه بود. در ۲۷ مارس ۱۹۵۲، بسته‌ای که برای صدراعظم آدنانر آدرس شده بود به مقر پلیس مونیخ رسید و به دلیل دست‌خط کودکان و آدرس نادرست مشکوک شد. بسته که حاوی بمبی پنهان در یک دایره‌المعارف بود، توسط دو نوجوان استخدام‌شده توسط توطئه‌گران پست شده بود. نوجوانان که چیزی مشکوک شدند، به جای پست کردن، پلیس را مطلع کردند. وقتی مأموران سعی در بازرسی بسته کردند، آن منفجر شد و افسر پلیس باواریایی کارل رایشرت را کشت و دو نفر دیگر را زخمی کرد.

همزمان، دو بمب پستی دیگر به محلی که هیئت‌های اسرائیلی و آلمانی در حال مذاکره غرامت بودند ارسال شد و گروهی به نام سازمان پارتیزان‌های یهودی مسئولیت آن را بر عهده گرفت. این بمب‌ها به اهداف نرسیدند، اما انفجار مونیخ تحقیقات بین‌المللی را آغاز کرد. مقامات فرانسوی و آلمانی توطئه را به پنج مظنون اسرائیلی در پاریس ردیابی کردند، همه مرتبط با ایرگون. از جمله آنها الیعزر سودیت بود که به آماده‌سازی دستگاه انفجاری اعتراف کرد. مظنونان دستگیر شدند اما بعداً اجازه بازگشت به اسرائیل را یافتند، با شواهدی که مهر و موم شده بود تا از تحریک احساسات ضد یهودی در آلمان جلوگیری شود.

خاطرات سودیت، منتشرشده در دهه ۱۹۹۰، بینش‌های حیاتی در انگیزه‌ها و اجرای توطئه ارائه داد. او ادعا کرد قصد کشتن آدنانر نبود بلکه ایجاد توجه رسانه‌ای بین‌المللی و اختلال در مذاکرات غرامت بود. «برای همه ما روشن بود که بسته هیچ شانس برای رسیدن به آدنانر ندارد»، سودیت نوشت و پیشنهاد کرد که توطئه به عنوان عمل نمادین طراحی شده بود. با این حال، این ادعا مورد مناقشه است، زیرا مشارکت بگین و نتیجه مرگبار – مرگ یک افسر پلیس – نشان‌دهنده نیت جدی‌تری است. سودیت تعهد شخصی بگین را توصیف کرد، از جمله پیشنهاد فروش ساعت طلایی خود برای تأمین مالی عملیات وقتی پول کم شد، و جلسات با اعضای کنست یوحانان بادر و حییم لاندائو، و همچنین رئیس سابق اطلاعات ایرگون آبا شرزر، برای هماهنگی توطئه.

پیامدها و سرپوش‌گذاری

دولت آلمان غربی تحت رهبری آدنانر و نخست‌وزیر اسرائیل داوید بن‌گوریون هر دو تلاش کردند حادثه را کم‌اهمیت جلوه دهند تا روابط دوجانبه شکننده را حفظ کنند. آدنانر که از منشأ توطئه آگاه بود، انتخاب کرد آن را به شدت پیگیری نکند، از ترس واکنش ضد یهودی در آلمان یا خنثی شدن غرامت‌ها. بن‌گوریون که حامی توافق غرامت بود، خویشتن‌داری آدنانر را قدردانی کرد، زیرا افشای نقش بگین می‌توانست روابط نوپای آلمان-اسرائیل را تحت فشار قرار دهد. جزئیات تا سال ۲۰۰۶

عمدتاً سرکوب شده باقی ماند، وقتی فرانکفورتر آگماینه تسایتونگ excerpts از خاطرات سودیت را منتشر کرد و علاقه و بحث جدیدی برانگیخت.

در اسرائیل، نقش بگین برای دهه‌ها مبهم باقی ماند. دبیر شخصی او، یحیل کادیشای، و هرتزل ماکوف، مدیر مرکز میراث مناخم بگین، در سال ۲۰۰۶ هنگام پرسش ادعای ناآگاهی از توطئه کردند. با این حال، روایت سودیت، پشتیبان شده توسط تحقیقات زیتز، تردیدی در مشارکت بگین باقی نگذاشت. افشاگری تحلیلگران را با توجه به جایگاه بعدی بگین به عنوان صلح‌ساز شوکه کرد و سؤالاتی در مورد اخلاق خشونت سیاسی در عصر پس از هولوکاست مطرح کرد.

تلاش برای ترور نتوانست توافق غرامت را خنثی کند، که در سپتامبر ۱۹۵۲ امضا شد. آلمان غربی ابتدا حدود ۳ میلیارد مارک آلمانی به اسرائیل و ۴۵۰ میلیون به کنفرانس ادعاها پرداخت کرد، با پرداخت‌های ادامه‌دار با ادعاهای جدید. توافق اقتصاد اسرائیل را تقویت کرد و گام مهمی در تسویه حساب اخلاقی آلمان بود، هرچند جنجالی باقی ماند. بقای آدنauer و عزم او جایگاه داخلی و بین‌المللی اش را تقویت کرد و به انتخاب مجدد او در ۱۹۵۳ کمک کرد.

میراث و اهمیت تاریخی

تلاش برای ترور کنراد آدنauer احساسات خام و سیاست پیچیده عصر پس از هولوکاست را برجسته می‌کند. برای بگین و متحدانش، توافق غرامت نماد خیانت به رنج یهودی بود، اما پاسخ خشونت‌آمیز آنها خطر تضعیف اقتدار اخلاقی اسرائیل و اهداف دیپلماتیک را داشت. تصمیم آدنauer برای سرکوب موضوع، تعهد عمل‌گرایانه او به آشتی را حتی به قیمت شفافیت نشان می‌داد. حادثه همچنین چالش‌های هدایت عدالت، حافظه و منافع ملی در سایه نسل‌کشی را برجسته می‌کند.

امروزه، توطئه پای‌نوشتی در میراث هر دو آدنauer و بگین است، که توسط دستاوردهای بعدی آنها تحت‌الشعاع قرار گرفته. آدنauer به عنوان پدر بنیانگذار آلمان مدرن و ادغام اروپایی جشن گرفته می‌شود، در حالی که بگین برای نقشش در تأمین صلح با مصر به یاد آورده می‌شود. با این حال، تلاش ۱۹۵۲ یادآوری از نوسانات سال‌های اولیه جنگ سرد است، وقتی شکاف‌های ایدئولوژیک و زخم‌های تاریخی اقدامات افراطی را برمی‌انگیخت. همچنین تأمل در اخلاق خشونت سیاسی و تعادل ظریف دیپلماسی در مقابله با جنایات گذشته را برمی‌انگیزد.

همانطور که تاریخ‌نگار موشه زیمرمان اشاره کرد، رازداری توطئه توسط تمایل مشترک برای حفاظت از آشتی آلمان-اسرائیل هدایت می‌شد. افشای دیر هنگام آن از طریق خاطرات سودیت و گزارش‌های بعدی، ما را دعوت می‌کند تا با ابهامات اخلاقی زمانی مقابله کنیم که بازماندگان، دولتمردان و شبه‌نظامیان به شیوه‌های عمیقاً متفاوت با میراث هولوکاست دست و پنجه نرم می‌کردند.